

121

پرونده شماره ۱۰۹۱۳

شعبه دو

حکم شماره ۲-۱۰۹۱۳-۲۲۶

DUPLICATE  
ORIGINAL  
نسخه برابر اصل

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	3 NOV 1987
	۱۳۶۶ / ۸ / ۱۲
No.	10913

چک رنگین،  
ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار مطروح توسط  
ایالات متحده امریکا،  
خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،  
خوانده.

\_\_\_\_\_

حاضران :

از طرف خواهان : مایکل اف. رابوین  
ریچارد بی. لیلیج  
مطرح کنندگان ادعاء

از طرف خوانده : محمد کریم اشراق  
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،  
سید مصطفی درچه‌ای زاده  
مشاور حقوقی نماینده رابط،  
سهراب ربیعی  
دستیار نماینده رابط،  
مصطفی کامفر  
شاهد،

سایر حاضران : جان کروک،  
نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا.

## اول - ادعا

۱ - در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۷۹ [۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۷] چک رنگین ("خواهان")، با پروازی که سفارت ایالات متحده در ایران برای خارج ساختن اتباع امریکایی ترتیب داده بود، ایران را ترک کرد. وی کارمند شرکت بل هلیکوپتر اینترنشنال، اینکورپوریتد ("بل هلیکوپتر") بود و در تاسیسات شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپتر ایران ("هلیکوپتر ایران") در فرودگاه مهرآباد تهران خدمت می‌کرد (۱) و بلافاصله پس از ترک ایران، به خدمت وی در بل هلیکوپتر خاتمه داده شد. وی به دلیل اخراج غیرقانونی ادعایی از ایران، غرامتی به مبلغ ۸۱،۶۴۷/۹۶ دلار امریکا (۲) بابت از دست دادن اموال شخصی و حقوق مالکانه خود، از جمهوری اسلامی ایران ("خوانده") مطالبه می‌نماید.

۲ - خوانده اظهار می‌دارد که دیوان فاقد صلاحیت رسیدگی به این ادعاست و انکار می‌کند که خواهان را بصورت غیرقانونی از ایران اخراج کرده و اظهار می‌دارد که خواهان یا به میل و اراده خود، و یا به دستور کارفرما و دولت متبوع خود، ایران را ترک کرده است.

---

(۱) بل هلیکوپتر طبق قرارداد فروشهای نظامی خارجی (اف ام اس) بین دولتین ایران و ایالات متحده برای فروش هلیکوپترهای بل، خدمات آموزشی و پشتیبانی فنی ارائه می‌کرد. بل هلیکوپتر با دولت امریکا قرارداد داشت.

(۲) غرامت مورد مطالبه در جریان رسیدگی به دفعات تغییر کرد. در دادخواست، مبلغ خواسته ۱۳۷،۵۷۲/۰ دلار بود که در دادخواست تکمیلی به ۹۶،۳۸۲/۹۶ دلار و مجدداً در لایحه جوابیه به ۱۰۱،۶۴۷/۹۶ دلار تغییر یافت. در جلسه استماع، خواهان ادعای مربوط به حقوق بازنشستگی به مبلغ ۲۰،۰۰۰/۰ دلار امریکا را پس گرفت، زیرا که در واقع بل هلیکوپتر این مبلغ را در این فاصله به وی پرداخت کرده بود.

دوم - واقعیات (۳)

۳ - خواهان در ۱۹ فوریه ۱۹۷۴ [۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۲] برای یک ماموریت دو ساله از طرف بل هلیکوپتر، وارد ایران شد و از آن پس، هر سال با درخواست تمدید یکسال ماموریت وی موافقت شد. آخرین تمدید ماموریت خواهان در اکتبر ۱۹۷۸ درخواست و مورد موافقت واقع شد. مدت ماموریت مزبور از ۱۹ فوریه ۱۹۷۹ تا پایان فوریه ۱۹۸۰ [۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷ تا ۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸] بود.

۴ - رویدادهای عمده انقلاب ایران کاملاً مشهور است و شکی نیست که بدلیل این رویدادها، زندگی در آن کشور نسبت به سالهای قبل دشوارتر و از امنیت آن کاسته شد. از اکتبر ۱۹۷۸، بل هلیکوپتر به کارمندان خود مزایای بیشتری بابت سختی شرایط زندگی پرداخت کرد و با آنکه هزینه مراجعت کارمندان فقط در پایان ماموریت قابل پرداخت بود، تقبل نمود که هزینه مراجعت هر کارمندی را که قصد خروج از ایران داشته باشد، به حساب شرکت بپردازد. درعین حال، خواهان اظهار می دارد که با آنکه در دسامبر ۱۹۷۸ و ژانویه ۱۹۷۹ بسیاری از شرکتهای دیگر تصمیم گرفتند که اغلب یا کلیه کارمندان خود را تا اعاده نظم، از ایران خارج سازند، بل هلیکوپتر کارمندان خود را تشویق می کرد که در ایران باقی بمانند و می کوشید که کار خود را حتی الامکان در ایران ادامه دهد.

۵ - در ژانویه ۱۹۷۹، بل هلیکوپتر به خدمت تعداد زیادی از کارمندان خود خاتمه داد و این افراد همراه با خانواده خود ایران را ترک کردند. این کاهش پرسنل، ظاهراً در

---

(۳) در ارتباط با ماهیت دعوا، به شرح مندرج در قسمت پنجم زیر، بعضی واقعیات در صورت لزوم، مورد بررسی بیشتر قرار گرفته است.

گروههای تقریباً ۳۰۰ نفری انجام می‌شد و هنگامی که حوادث مشروحه زیر رخ داد، سومین گروه در حال خروج از ایران بود. البته خواهان در زمره کارمندان بود که به خدمت آنها خاتمه داده نشده بود.

۶ - در اوایل بامداد روز ۱۲ فوریه ۱۹۷۹ [۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷] - که مصادف با اغتشاشات فراوان در تهران پس از پیروزی انقلاب بود - خواهان و همسرش از شرکت درخواست کردند که اجازه دهد آپارتمان خود را ترک کرده و به کارمندان بل هلیکوپتر که به خدمتشان خاتمه داده شده بود و خانواده آنها، که برای آماده شدن جهت ترک کشور، در هتل هیلیتون گردآمده بودند، بپیوندند. پس از صدور اجازه، خانم و آقای رنکین بلافاصله مقداری لوازم شخصی خود را در دو چمدان گذاشته و در حالیکه دوست و همکاری از بل هلیکوپتر ایشان را با فاصله کمی دنبال می‌کرد، صاحبخانه آنان را با اتومبیل به هتل رساند.

۷ - کمی بعد از ورود خانواده رنکین به هتل، بین گروههای مختلف، از جمله طبق گزارش جراید، گروهی کارگر افغانی زد و خورد مسلحانه در هتل درگرفت. بعد از خشونت های زیادی که در ابتدا صورت گرفت، یک گروه مسلح بر اوضاع مسلط شده و اعاده نظم کرد و اجازه نداد کسی از هتل خارج شود. متعاقباً، اعضای این گروه، نمایندگان ارشد بل هلیکوپتر را به ستاد انقلاب امام خمینی واقع در مدرسه رفاه در جنوب تهران بردند.

۸ - حسب ادعای نمایندگان بل هلیکوپتر در آنجا با دکتر ابراهیم یزدی، یکی از چهره‌های عالیمقام نهضت انقلاب دیدار کردند. معلوم نیست که انتصاب رسمی دکتر یزدی بعنوان معاون نخست وزیر دولت موقت، در آن زمان صورت گرفته بود، یا اینکه بعداً این انتصاب انجام شد. بهر حال، حسب ادعای دکتر یزدی به نمایندگان بل هلیکوپتر

گفت که دولت جدید نمی خواهد ارتباطی با امریکاییان داشته باشد و کلیه کارکنان بل هلیکوپتر باید بمحض باز شدن مجدد فرودگاه، ایران را ترک کنند.

۹ - بعد از پنج روز اقامت اجباری در هتل، خواهان و همسرش همراه با حدود یکصد تن دیگر از کارمندان بل هلیکوپتر و خانواده آنان با اتوبوس به فرودگاه مهرآباد که در ۱۷ فوریه ۱۹۷۹ [۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۷] مجدداً باز شده بود برده شدند، و دیروقت همان روز ایران را ترک کردند. ظرف پنج روز بعد، سایر کارمندان بل هلیکوپتر و خانواده آنان که در هتل جمع شده بودند، در گروه‌های مشابه، از کشور خارج شدند.

۱۰ - هنگام توقف در فرانکفورت، واقع در آلمان غربی، بل هلیکوپتر به خدمت خواهان خاتمه داد و بعداً خواهان دو هفته حقوق بابت خاتمه خدمت دریافت کرد. از مدارک مختلف تسلیمی خواهان چنین به نظر می‌رسد که در قرارداد استخدامی وی، به بل هلیکوپتر اجازه داده شده که به علت "کاهش پرسنل"، در هر زمانی [که بخواهد] به خدمت وی خاتمه دهد. خواهان ظاهراً تا چندین سال بعد، موفق به یافتن شغل جدید نشد.

#### سوم - موضوعات شکلی

#### الف - درخواست صدور قرار اعدادی

۱۱ - در تاریخ نهم اکتبر ۱۹۸۴ [۱۷ مهرماه ۱۳۶۳] ایالات متحده از جانب خواهان و قریب ۱۵۰۰ خواهان دیگری که ادعاهای مشابهی داشتند، درخواست صدور یک قرار اعدادی کرد، بدین مضمون که "دولت ایران بابت اخراج دسته جمعی و غیرقانونی کلیه امریکاییهایی که در فاصله اکتبر ۱۹۷۸ تا پایان فوریه ۱۹۷۹ [نهم اسفندماه

۱۳۵۷] ایران را ترک نموده‌اند، مسئول شناخته شود. دیوان در دستور مورخ ۱۱ مارس ۱۹۸۵ [۲۰ اسفندماه ۱۳۶۳] خود در این پرونده، نظر داد که "مادام که لوایح طرفین تکمیل نشده، بررسی هرگونه درخواستی توسط خواهان برای صدور قرار اعدادی، اقدامی نابهنگام است." در روزهای ۱۵ و ۱۶ ژانویه ۱۹۸۷ [۲۵ و ۲۶ دیماه ۱۳۶۵] جلسه استماع این پرونده برگزار گردید که طی آن نماینده خواهان درخواست صدور قرار اعدادی را مجدداً مطرح کرد.

۱۲ - چون دیوان معتقد است که می‌تواند در این حکم، کلیه موضوعات ذیربط در این پرونده را فیصله دهد، بنابراین درخواست صدور قرار اعدادی در این پرونده منتفی است. بعلاوه، دیوان معتقد است که تصمیم‌گیری راجع به موضوع مسئولیت ایران، بر مبنای دلایل کلی حاکم بر کلیه ادعاهای مربوط به اخراج غیرقانونی مطروح توسط اتباع امریکایی نادرست است، زیرا که واقعیات هر ادعا ممکن است با سایر ادعاها تفاوت اساسی داشته باشد و چنانچه در پرتو اصول حاکم بر مسئولیت دولت سنجیده شود، به نتایج متفاوتی منتهی گردد.

#### ب - اصلاح ادعا

۱۳ - دیوان ملاحظه می‌کند که خواهان در جوابیه نهایی خود که در ۲۵ ژوئن ۱۹۸۶ [چهارم تیرماه ۱۳۶۵] ثبت نمود، ادعای خود را اصلاح کرده است. در اصلاحیه مذکور، مبلغ خواسته تغییر یافته و اطلاعاتی نیز در مورد قالبی‌هایی که به عنوان اموال از دست رفته در اثر اخراج غیرقانونی ادعایی، در ضمیمه دادخواست تکمیلی فهرست شده‌اند، ارائه گردیده است. تا آنجا که این اطلاعات توضیح بیشتری درباره اموال از دست رفته مشروح در دادخواست و دادخواست تکمیلی می‌دهد، دیوان طبق ماده ۲۰ قواعد خود، آنها را قابل قبول می‌داند. دیوان متذکر می‌شود که

اصلاحیه مذکور تاخیری در جریان رسیدگی ایجاد نکرده و بابت قبول اصلاحیه، زبانی متوجه خواننده نشده، زیرا که وی توانسته در لوایح خود بطور موثر از موضع خود راجع به این موضوع کاملاً دفاع نماید.

#### چهارم - صلاحیت

##### الف - طرفین

۱۴ - همانطور که فتوکپی گذرنامه آمریکایی خواهان نشان می‌دهد، وی به لحاظ تولد در ایالات متحده، تبعه آن کشور است. خواننده، دولت ایران نیز طبق مفاد بیانیه حل و فصل دعاوی، به وضوح خواننده صحیح است.

##### ب - ادعا

۱۵ - طرفین منکر این واقعیت نیستند که ادعا از تاریخ بروز تا تاریخ [امضای] بیانیه حل و فصل دعاوی، مستمراً در تملک خواهان بوده و بنابراین الزامات بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی را در مورد استمرار تابعیت احراز می‌کند. بحثی هم نیست که ادعا طبق الزام بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ [۲۹ دیماه ۱۳۵۹] پابرجا بوده است.

۱۶ - لیکن خواننده اظهار می‌دارد که ادعا شرط نهایی صلاحیت را، دایر بر اینکه ادعا باید ناشی از دیون، قراردادهای ...، ضبط اموال و یا هر اقدام دیگر ... موثر حقوق مالکیت باشد احراز نمی‌کند. خواننده استدلال می‌کند که ادعا از نوع "دین" و "قرارداد" نیست و خواهان ادعای "ضبط" یا "هر اقدام دیگر" را نکرده است. خواهان



مدعی است که خروج اجباری وی [از ایران] غیرقانونی بوده و باعث از دست رفتن برخی از اموال وی شده است که نتیجتاً اقدامی موثر در حقوق مالکانه وی بوده است. دیوان متذکر می‌شود که برای آنکه یک خواهان امریکایی بتواند ادعایی مطرح کند که در حیطه صلاحیت دیوان قرار داشته باشد، باید واقعیاتی را ارائه نماید که نشان دهد اموال یا حقوق مالکانه وی در اثر اعمال قابل انتساب به ایران، که قانوناً خلاف بوده، از بین رفته است. اینکه اخراج غیرقانونی می‌تواند به منزله مصادره باشد یا خیر، بستگی به واقعیات خاص ادعا دارد. لکن اخراج حسب ادعا غیرقانونی، طبق تعریف، اقدامی است که می‌تواند موثر در حقوق مالکانه باشد و بنابراین، در حیطه صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد.

۱۷ - خواننده مضافاً استدلال می‌کند که اخراج، ماهیت شبه جرم را دارد و موارد شبه جرم فی‌نفسه در شمول ضوابط صلاحیتی بیانیه حل و فصل دعاوی قرار نمی‌گیرد. دیوان با این استدلال موافق نیست. اخراج می‌تواند بمنزله شبه جرم باشد یا نباشد، اما مسلماً امری است که می‌تواند بر حقوق مالکانه تاثیر گذارد. فعل یا ترک فعلی که متضمن مسئولیت یک دولت در قبال تبعه دولت دیگر بوده و در حقوق مالکانه تبعه مذکور اثر گذارد، می‌تواند موجب دعاوی خسارت بابت آن حقوق مالکانه‌ای شود که در حیطه صلاحیت این دیوان قرار می‌گیرد، حال آنکه زیان‌های شخصی ناشی از همان فعل یا ترک فعل، در حیطه صلاحیت دیوان نیست. در این رابطه، خواننده به حکم شماره ۱-۷۱-۲۵ مورخ ۱۸ فوریه ۱۹۸۳ [۲۹ بهمن ماه ۱۳۶۱] صادره در پرونده لیلیان بردین گریم و دولت جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کند که در آن، دیوان نظر داد که ادعای خسارت از دست دادن نفقه و خسارت تنبیهی بابت آلام روحی ناشی از قتل شوهر خواهان به علت قصور ادعایی دولت ایران در حمایت از شوهر وی، به عنوان ادعای مبتنی بر اقدامات موثر در حقوق مالکیت، در چهارچوب صلاحیت دیوان قرار نمی‌گیرد. موافقت یا عدم موافقت این

شعبه با نتیجه‌گیری مذکور، موضوعی است که نیازی به بررسی آن در پرونده حاضر نیست، زیرا اخراج ادعایی خواهان و به تبع آن، از دست دادن ادعایی درآمد و اموال شخصی، قابل قیاس با قصور ادعایی در حمایت و خواسته موردتقاضا در پرونده گریم نیست. اخراج غیرقانونی فردی که در کشور اخراج کننده شاغل و صاحب مال بوده است، مسلماً طبق تعریف موسع آن عبارت در حقوق بین‌الملل، اقدامی است موثر بر حقوق مالکانه آن فرد. رجوع شود به: ص ۹، زیرنویس ۲ [متن انگلیسی] حکم شماره ۲-۹۸-۱۹ مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۸۲ [نهم دیماه ۱۳۶۱] صادره در پرونده هارزا انجینیرینگ کامپنی و جمهوری اسلامی ایران. براین اساس، ادعای از دست دادن اموال در اثر اینگونه اخراج، ادعایی است که در حیطه صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد.

۱۸ - پاره‌ای ادعاها با اینکه از سایر جهات، در حیطه صلاحیت دیوان قرار دارند، معهداً طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی مستثنی شده‌اند، و خوانده به شرط استثنای ادعاهای موصوف در بند ۱۱ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ [۲۹ دیماه ۱۳۵۹] دولت الجزایر ("بیانیه عمومی") استناد می‌کند. در بند ۱۱ بیانیه عمومی، ایالات متحده موافقت کرد که "از اقامه دعوا در مورد هرگونه ادعای حال یا آینده توسط ایالات متحده و یا اتباع ایالات متحده علیه ایران ناشی از حوادث قبل از تاریخ این بیانیه، در رابطه با: (الف) عمل دستگیری ۵۲ نفر تبعه ایالات متحده در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ [چهار نوامبر ۱۹۷۹] و (د) صدمات وارده به اتباع ایالات متحده و یا اموال آنها در نتیجه جنبش‌های مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که ناشی از عمل دولت ایران نبوده است، جلوگیری [نماید]". خواهان اظهار می‌دارد که این استثناء تنها شامل ۵۲ نفر تبعه امریکایی می‌شود که در چهارم نوامبر ۱۹۷۹ [۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸] دستگیر شدند، ولی خوانده استدلال می‌کند که استثناء مذکور شامل کلیه اتباع امریکایی می‌شود که ادعای ورود صدمه به خود یا به اموال خود را

در نتیجه جنبشهای مردمی در جریان انقلاب دارند. دیوان لزومی نمی‌بیند که تضاد این دو تفسیر را در پرونده حاضر فیصله دهد، زیرا خواهان مدعی نیست و دیوان نیز به این نتیجه نرسیده است که صدمات وارده به اموال خواهان، در نتیجه جنبشهای مردمی بوده است. (۴) بهر تقدیر، دیوان متذکر می‌شود که فقط صدمات وارده در نتیجه جنبشهای مردمی که ناشی از عمل دولت ایران نبوده، طبق این شرط، از شمول صلاحیت دیوان مستثنی می‌شود و این استثناء، صرفاً بیان مجدد الزامات حقوق بین‌الملل عرفی است، مبنی بر اینکه دولتها فقط مسئول اعمال غیرقانونی‌ای هستند که قابل انتساب بدانها باشد. در سنوات اخیر، این قبیل اعمال، تحت مذاقه کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد قرار گرفته و منجر به تدوین مجموعه‌ای پیش نویس مواد درباره مبانی مسئولیت دولتها بابت اعمالی شده که از نظر بین‌المللی خلاف محسوب می‌شوند. دیوان ضوابط مقرر توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل را به عنوان آخرین و معتبرترین شرح حقوق بین‌المللی جاری در این زمینه، پذیرفته است. رجوع شود به: Draft Articles on State Responsibility (قسمت اول پیش نویس) که موقتاً مورد قبول کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار گرفته و در 1980 Y.B. Int'l L. Comm'n, Vol. II, part 2 at pp. 30-34, U.N. Doc. A/CN.4/SER.A/1980/Add. 1(Part 2), از آن نقل قول شده است. مقایسه شود با: حکم شماره ۳-۱۱۱۳۵-۳۱۲ مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷ [۲۳ تیرماه ۱۳۶۶] صادره در پرونده آلفرد آل. دلیو. شورت و جمهوری اسلامی ایران.

---

(۴) با اینکه این احتمال وجود دارد که از بین رفتن قالیها ناشی از جنبشهای مردمی بوده باشد، با اینحال، خواهان همانطور که ذیلاً شرح می‌شود، مسئولین از بین رفتن قالیها را مشخص نکرده است.

۱۹ - بنا بمراتب پیش گفته، دیوان مقرر می دارد که دارای صلاحیت نسبت به پرونده حاضر است.

### پنجم - دلایل حکم

#### الف - شرایط مسئولیت

۲۰ - برای اینکه خوانده مسئول شناخته شود، دیوان باید متقاعد گردد که خواهان به دلیل فعل یا ترک فعل قابل انتساب به خوانده که قانوناً خلاف بوده، مجبور به ترک ایران گشته و این اخراج غیرقانونی موجب ورود خساراتی به اموال خواهان یا حقوق مالکانه وی شده و غرامتی از این بابت به وی پرداخت نشده است. با آنکه هریک از این اجزای متشکله مسئولیت، واجد اهمیت بسیار است، دیوان با تجزیه و تحلیل قانون حاکم و شرایط غیرقانونی اعلام کردن [اخراج]، رسیدگی خود را آغاز می کند.

#### ۱ - قانون حاکم

۲۱ - به موجب ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی، دیوان باید اتخاذ تصمیم درباره تمام موارد را «براساس رعایت قانون» انجام داده و «مقررات حقوقی و اصول حقوق تجارت و حقوق بین الملل را» که قابل اعمال می داند، بکار گیرد. با اینحال، در مورد این دعاوی اخراج، روشن است که صرفنظر از مسایل قراردادی، فقط قوانین ایران و حقوق بین الملل قابل اعمالند. در پرونده حاضر، ادعا نشده که خروج خواهان متضمن نقض قوانین ایران بوده و بنابراین، در مورد ادعای غیرقانونی بودن [اخراج]، باید صرفاً «براساس ضوابط حقوق بین الملل تصمیم گرفته شود».

۲۲ - طبق رویه دول، رسالات حقوقدانان، آراء دیوانهای بین‌المللی و مقررات عهدنامه‌های دوجانبه، مانند مقررات عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی فی‌مابین ایران و ایالات متحده آمریکا که در تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۵۷ [۲۶] خردادماه ۱۳۳۶] به مرحله اجرا درآمد، حقوق بین‌الملل محدودیت‌هایی در مورد شرایط و نحوه اخراج اتباع بیگانه توسط دولت‌ها از خاک خود، قایل شده است. خواهان مدعی اخراج، باید ثابت کند که عمل دولت اخراج‌کننده، غیرقانونی و به عبارت دیگر، خودسرانه، تبعیض‌آمیز و یا ناقض تعهدات دولت اخراج‌کننده طبق عهدنامه می‌باشد. این محدودیت‌ها معمولاً در چهارچوب اقدامات خاصی که علیه یک فرد انجام گرفته و مستقیماً ناشی از دولت یا قانوناً قابل انتساب به آن بوده، مورد بررسی واقع شده است. معهذاً این اصول کلی همچنین می‌تواند شامل وضعیتی باشد که در آن، با وجود نبودن قانون و مقررات یا ضوابطی که تبعه بیگانه را وادار به خروج از کشور نماید، با اینحال ادامه حضور وی در کشور میزبان بدلیل وضعیتی که در اثر اعمال خلاف قانون دولت یا قابل انتساب به آن، ایجاد می‌شود، غیرممکن گردد. رجوع شود به :

G. Goodwin-Gill, The Limits of the Power of Expulsion in Public International Law, Brit. Y.B. Int'l L., 55 (1974-1975); G. Goodwin-Gill, International Law and the Movement of Persons Between States (1978); I. Brownlie, State Responsibility, Part 1 at 76-77 (1983), M. Pellonpaa, Expulsion in International Law (1984).

۲۳ - به دلایل مذکور در حکم شماره ۲-۹۹-۲۱۷ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۸۶ [۲۸] اسفندماه ۱۳۶۴] صادره در پرونده فلیس داج کوریوریشن و سایرین و جمهوری اسلامی ایران، و حکم شماره ۳-۵۶-۳۱ مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷ [۲۳] تیرماه ۱۳۶۶] صادره در پرونده آموکو اینترنشنال فایننس کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران و

سایرین، لزومی ندارد که دیوان تعیین نماید که آیا عهدنامه مودت فیما بین دو دولت در حال حاضر کماکان مجری است یا خیر، زیرا عهدنامه مذکور، مسلماً در تاریخ بروز ادعا قابل اعمال بوده و به موجب ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی، منبع حقوقی ذیربطی است که استناد دیوان به مفاد آن در اتخاذ تصمیم خود، قابل توجیه است.

۲۴ - اساساً، مقررات ذیربط عهدنامه مودت حقوق مشروحه زیر را برای اتباع امریکایی تضمین کرده است: (الف) حق ورود و اقامت در ایران به قصد تجارت و بازرگانی، تحت شرایطی که بهیچوجه نامساعدتر از شرایطی نخواهد بود که [ایران] در مورد اتباع هر کشور دیگری قابل می شود، (۵) (ب) نسبت به آنان و اموالشان رفتار منصفانه و عادلانه مرعی خواهد شد (۶)، (ج) شخص آنان و اموال و منافع اموال آنان از حمایت و امنیت دایم برخوردار خواهند بود (۷)، (د) [می توانند] اموال خود را در ایران فروخته یا واگذار نمایند (۸). در عین حال، ایران در مورد ممانعت از ورود و اخراج اتباع امریکایی این حق را محفوظ داشت که برای حراست نظم و امنیت عمومی و حفظ بهداشت و اخلاق، اقدامات لازم را بعمل آورد (۹) و این حق را هم داشته باشد که برای حفظ مصالح اساسی امنیتی ایران، اقدامات لازم را مرعی دارد. لیکن نیازی نیست که در پرونده حاضر به این حقوق محفوظ رسیدگی کرد، زیرا که خواننده به آنها استناد نکرده است.

---

(۵) بند ۱ ماده دوم.

(۶) بند ۱ ماده چهارم.

(۷) بند ۲ ماده چهارم.

(۸) بند ۱ (ج) ماده پنجم.

(۹) بند ۳ ماده دوم.

۲۵ - اعمال حمایت های اعطایی به موجب حقوق بین الملل عرفی و عهدنامه مودت، نسبت به واقعیات موارد خاص، مستلزم حل برخی مسایل است. بعنوان مثال، با آنکه در حقوق بین الملل، این اصل پذیرفته شده است که اعمال یک جنبش شورشی یا انقلابی که متصدی دولت جدید در کشور می شود، قابل انتساب به آن کشور است، با اینحال، مشکلاتی باقی می ماند. رجوع شود به: ماده ۱۵(۱۰) Draft Articles on State Responsibility (بند ۱۸ مذکور در فوق) و نیز

I. Brownlie, State Responsibility, Part I at 177-78 (1983);

و همچنین: آلفرد ال. دیلیو. شورت و جمهوری اسلامی ایران (بند ۱۸ مذکور در فوق). اولاً، وقتی که در جریان انقلاب، خساراتی به اموال یک فرد خارجی وارد می آید، احتمالاً این سوال مطرح می گردد که آیا خسارات وارده، ناشی از خشونت بوده که مشخصاً متوجه آن فرد یا اموال وی شده، یا صرفاً خسارات تصادفی و تبعی ناشی از وجود اموال یا منافع اموال فرد خارجی در دوران ناآرامی انقلاب بوده است. ثانیاً، حتی در مورد بعضی صدمات وارده به اموال که جنبه تصادفی یا تبعی ندارد - فی المثل صدمات ناشی از اعمال انقلابیون علیه فرد خارجی بدلیل ملیت او - بازهم مساله دیگری در مورد انتساب آن اعمال باقی می ماند، به این معنی که آیا این اعمال توسط خود جنبش انقلابی صورت گرفته و یا

---

(۱۰) ماده ۱۵ - انتساب اعمال یک جنبش شورشی که خود متصدی دولت جدید در کشور می شود یا منجر به تشکیل حکومت جدیدی می گردد.

۱ - عمل یک جنبش شورشی که خود متصدی دولت جدید در کشور می شود، بعنوان عمل آن کشور تلقی خواهد شد. معیضاً این انتساب تأثیری در انتساب اعمالی بدان کشور، که قبلاً به موجب مواد ۵ تا ۱۰، بعنوان عمل حاکمیت دانسته می شده، ندارد.

۲ - اعمال یک جنبش شورشی که اقدامات وی منجر به تشکیل حکومت جدیدی در بخشی از قلمرو حکومتی که قبلاً وجود داشته یا در قلمروی تحت اداره آن شود، باید بعنوان اعمال حکومت جدید تلقی گردد.

اینکه کار گروهها یا افراد غیرمتشکلی بوده که قابل انتساب به جنبش انقلابی نیست.

## ۲ - ملاحظات کلی

۲۶ - خواهان مدعی است که در جریان انقلاب اسلامی و در واکنش نسبت به تحریکات ضد امریکایی آیت الله خمینی، امریکاییان هدف خشونت و آزار و اذیت قرار گرفته و این ضدیت با امریکا، یکی از ویژگی‌های اصلی انقلاب، و از محرک‌های عمده آن بوده است. خواننده در پاسخ اظهار می‌دارد که رهبران و الهام دهندگان انقلاب، مردم را به خشونت علیه شاه و حامیان وی تحریک می‌کردند، و نه علیه اتباع امریکایی. دیوان ادله و مدارک تسلیمی هر دو طرف را در رابطه با ضدیت با امریکا در جریان انقلاب، به دقت بررسی کرده و بخصوص نکات زیر را در ادله و مدارک مزبور مورد ملاحظه قرار داده است.

۲۷ - آیت‌الله خمینی که بی‌تردید برجسته‌ترین شخصیت مخالف با شاه و محرک تغییر حکومت به رژیم اسلامی بودند، رهنمودهایی از محل تبعید و از طریق سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های علنی و خصوصی، صادر می‌کردند. دیوان فقط متن برخی از سخنرانیهای علنی ایشان را بعنوان مدرک در اختیار دارد. در اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های مربوط به ایالات متحده و اتباع آن کشور در آن دوره، عموماً "تحمل رژیم شاه و سیاست‌های کشاورزی و تسلیحاتی او، با حمایت امریکا مرتبط دانسته می‌شد و ایالات متحده متهم به توطئه در کشتار تظاهرکنندگان می‌گردید و هشدار داده می‌شد که ایالات متحده از هیچ اقدامی در حفظ رژیم شاه فروگذار نخواهد کرد. آیت‌الله خمینی اعلام کردند که در قراردادهای منعقد شده با امریکاییها تجدیدنظر و آنهایی که علیه مصالح و منافع ملی تشخیص داده شوند، لغو خواهند شد. آیت الله خمینی می‌گفتند که رابطه با مستشاران نظامی و کارشناسان



غیرنظامی امریکایی در ایران خاتمه خواهد یافت. ادله و مدارک موجود نشان می‌دهد که در ایران تهدید و ارعاب امریکاییان از جانب افراد ناشناس و شعار «به خانه‌ات برگرد» امری شایع و موارد آن بسیار بوده است. در ۱۹ ژانویه ۱۹۷۹ [۲۹ دیماه ۱۳۵۷]، یعنی چند روز بعد از رفتن شاه از ایران، شعار تظاهرکنندگان در تهران که در مطبوعات منعکس شده، این بود: «شاه رفت، حالا نوبت امریکاست!»

۲۸ - در اول فوریه ۱۹۷۹ [۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷] که آیت‌الله خمینی از تبعید به کشور مراجعت کردند، اولین سخنرانی ایشان در فرودگاه که در گزارش های مطبوعاتی تسلیمی در این پرونده بصورت مدرک منعکس است، حاوی این پیام بود که «ما پیروزی مان وقتی است که دست این اجانب از مملکت مان کوتاه شود.» (۱۱)

---

(۱۱) دیوان واقف است که حتی در هنگام گزارش این سخنرانی، مغایرت هایی در مورد ترجمه متن فارسی سخنرانی به انگلیسی مشاهده شد. طبق اطلاع دیوان، بعداً ترجمه‌ای از این سخنرانی در کتاب اسلام و انقلاب: نوشته‌ها و سخنان امام خمینی، درج گردیده که بخشی از آن بشرح زیر است:

Islam and Revolution: Writings and Declarations of Imam Khomeini (H. Algar trans. 1981),

Our triumph will come when all forms of foreign control have been brought to an end and all roots of the monarchy have been plucked out of the soil of our land .... I offer again my thanks to all of you, and beseech God Almighty to foreshorten the arms of the foreigners and their agents.

Id. at pp. 252, 253.

«ما پیروزی مان وقتی است که دست این اجانب از مملکت مان کوتاه شود و تمام ریشه‌های رژیم سلطنتی از این مرز و بوم بیرون برود ... من از همه شما تشکر می‌کنم و از خدای تبارک و تعالی قطع دست اجانب و ایادی بسته به آنها را خواهان هستم. (ص.ص. ۲۵۲ و ۲۵۳).

آیت‌الله خمینی گفتند که امریکا سرگرم توطئه برای بازگرداندن شاه است. باینکه این سیاست در مورد خارجی‌ان دقیقاً اجرا نشده، معذک لغو تعداد زیادی از قراردادهای نظامی و بلافاصله بعد از آن، خروج هزاران امریکایی که هنوز در ارتباط با این قراردادها در ایران بودند، جزو اولین اقداماتی بود که دولت موقت پس از روی کار آمدن در تاریخ ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ [۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷] انجام داد. در این رابطه، خواهان مدرکی در مورد ملاقات دکتر یزدی در ۱۲ فوریه ۱۹۷۹ [۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷] با سرلشکر مک کینان [Mckinnon]، مدیر عامل بل هلیکوپتر که در آنموقع بزرگترین کارفرمای امریکاییانی بود که هنوز در ایران بودند، ارائه کرده است. طبق مدرک مزبور، دکتر یزدی اظهار داشت که دولت جدید نمی‌خواهد هیچگونه ارتباطی با امریکاییان داشته باشد و امریکاییان باید ایران را ترک کنند. اظهارات آقای مک کینان را شهادتنامه‌های سایر افرادی که در آن جلسه حضور داشتند و عده‌ای از کارمندان بل هلیکوپتر که در مراجعت مک کینان به هتل گزارش او را از جلسه شنیدند، تأیید می‌کند. خواننده چندین شهادتنامه از دکتر یزدی تسلیم کرده که در آنها وی منکر رویدادن آن ملاقات و ابراز چنین مطالبی شده است. دیوان لزومی نمی‌بیند که درباره رویداد یا عدم رویداد آن ملاقات و در صورت مثبت، مطالب اظهار شده در آن جلسه، تصمیم بگیرد. طبق مدارک موجود در این پرونده، وقایع بعدی به وضوح نشان می‌دهند که سیاست دولت جدید این بود که نفوذ خارجی‌ان را اگر قطع نمی‌کند، دست کم از میزان آن بکاهد و تعداد افراد خارجی را به فوریت و به طور اساسی تقلیل دهد و همین امر موجب خروج اغلب امریکاییها شد. مدارک ارائه شده در این پرونده، اعمال این سیاست را در مورد بل هلیکوپتر تأیید می‌کند، بدین معنی که سایر کارمندان بل هلیکوپتر که در ۱۲ فوریه ۱۹۷۹ [۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷] در هتل حضور نداشتند، در طول روزهای بعد بوسیله ماموران دولتی در خیابانها متوقف گردیده یا از منازل خود به هتل برده شدند، تا هنگام باز شدن فرودگاه، همراه سایرین ایران را ترک کنند و از

خروج کسانی که در هتل اقامت داشتند، ممانعت بعمل می آمد، مگر آنکه مقصدشان فرودگاه باشد. در نتیجه، بل هلیکوپتر تصمیم گرفت که کلیه کارمندان خود را از ایران خارج سازد و فقط گروه کوچکی از مدیران را به منظور مذاکره جهت از سر گرفتن عملیات نگهدارد و اگر این امر میسر نشد، کار خود را تعطیل کند.

۲۹ - چند روز بعد، یکی دیگر از مدیران بل هلیکوپتر که مسئول هماهنگی انتقال کارمندان شرکت از هتل به فرودگاه بود و مشکلاتی با «گروههای مسلح» داشت، تقاضای ملاقات با انتظام، معاون نخست وزیر را کرد، و به این تقاضا ترتیب اثر داده شد. انتظام تایید کرد که سیاست دولت جدید، لغو قراردادهای منعقد شده بوسیله حکومت شاه است و بنظر او، خروج آمریکاییها از ایران ناشی از همان سیاست است. انتظام وعده کمک به تامین در خروج [آمریکاییان] داد. دولت جدید در سراسر ماه فوریه ۱۹۷۹ خارجیان را به ترک کشور ترغیب می کرد. فی المثل، در ۲۷ فوریه ۱۹۷۹ [هشتم اسفندماه ۱۳۵۷] گزارش شد که شورای انقلاب به پلیس دستور داده است که پروانه کار و اقامت آمریکاییان و سایر خارجیانی را که هنوز در ایران بودند، تمدید نکند.

۳۰ - دیوان براساس کلیه مدارک موجود در پرونده حاضر، نتایج کلی زیر را اتخاذ می کند:

الف - بین دوره قبل از فوریه ۱۹۷۹ و بعد از آن دوره، که آیت الله خمینی به ایران بازگشتند و دولت جدید اسلامی، جانشین حکومت شاه شد، باید تفاوت قائل شد. (۱۲)

---

(۱۲) در اوضاع و احوال پرونده حاضر، لزومی ندارد که دیوان تعیین نماید که آیا دوره دوم از اول فوریه ۱۹۷۹ [۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷]، یعنی تاریخ بازگشت آیت الله خمینی شروع شد یا از ۱۲ فوریه ۱۹۷۹ [۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷] که دولت موقت قدرت را به دست گرفت.

ب - قبل از فوریه ۱۹۷۹، رهبران انقلاب با این ادعا که شاه را ایالات متحده بر ایران تحمیل کرده و نامبرده تحت کنترل امریکاست و به نفع امریکا و علیه مصالح واقعی ایران و خلاف قوانین اسلام کار می کند و در سرکوبی مردم ایران از کمک امریکا برخوردارست و امریکا در برابر تلاشهای مردم جهت سرنگونی شاه، از وی حمایت خواهد کرد، به افکار و احساسات ضد امریکایی دامن می زدند. علاوه براین، نهضت انقلابی، اقدامات کارگران اعتصابی صنعت نفت را جهت اخراج مدیران و مشاوران غیرایرانی تشویق و تأیید می کرد. معهداء مدارک موجود در دیوان برای اثبات وجود سیاستی کلی دایر بر اخراج خارجیان در دوره قبل از فوریه ۱۹۷۹، کافی نیست. فشار نهضت انقلابی در آن زمان، متوجه سرنگونی رژیم شاه بود.

ج - معذک، منطفاً انتظار آن می رفت که اظهارات رهبران انقلاب که در بالا بدانها اشاره شد، موجب برانگیختن یا دامن زدن به انواع تهدید و ارباب و خشونت شود که اتباع ایالات متحده و سایر خارجیان در دوره سپتامبر ۱۹۷۸ الی ژانویه ۱۹۷۹ متحمل شدند. این اظهارات که به وضوح قابل انتساب به نهضت انقلابی و بدان سبب، قابل انتساب به دولت ایران است (رجوع شود به: ماده ۱۵ Draft Articles on State Responsibility بندهای ۱۸ و ۲۵ فوق)، با مقررات عهدنامه مودت و الزامات حقوق بین الملل عرفی مبنی بر حمایت و حفاظت از خارجیان و اموال آنان، منافات داشته است. بر مبنای ادله و مدارکی که ارائه شده، به نظر می رسد، مقامات وقت ایران آنچه را که در اوضاع و احوال و محیط انقلابی آن زمان در توان داشتند، در جهت حفظ و حراست خارجیان انجام دادند. بنابراین، برای اینکه بتوان خواننده را بابت صدمات وارده به علایق مالکانه اتباع ایالات متحده در آن دوره، مسئول شناخت، لازم است در هر مورد خاص اثبات کرد که صدمات ادعایی معلول این اظهارات بوده و صرفاً نتیجه اغتشاش و ناآرامی عمومی و تظاهرات گسترده دوران انقلاب نبوده است.

د - معذک، هنگامی که آیت الله خمینی در اول فوریه ۱۹۷۹ [۱۲] بهمن ماه ۱۳۵۷] به ایران بازگشتند، طبق گزارشات وقت، خروج کلیه خارجیان را خواستار شدند. اندکی پس از آن، دولت جدید التاسیس اقداماتی را جهت لغو قراردادهای منعقدہ با اشخاص و شرکتهای غیرایرانی و اجرای سیاست کاهش نفوذ خارجیان در ایران و نیز فراهم کردن موجبات خروج خارجیان و منجمله اغلب امریکاییان از ایران، به عمل آورد.

ه - اجرای چنین سیاستی می تواند بصورت کلی، نقض محدودیت های شکلی و ماهوی حق دولت در اخراج خارجیان از خاک خود باشد که در مقررات عهدنامه مودت و حقوق بین الملل عرفی نیز مشاهده می گردد. (۱۳) لیکن، از این بحث بخودی خود نمی توان نتیجه گرفت که کلیه اتباع ایالات متحده که ایران را ترک کردند (یا کلیه اتباع ایالات متحده مقیم ایران که از بازگشت آنها ممانعت شده بود) با اجرای چنین سیاستی، بصورت غیرقانونی اخراج شده اند. باید شرایط مربوط به هر مورد ترک کشور را بررسی کرده و اعمال کلی و خاص مورد استناد را که مدارک آن ارائه شده، مشخص ساخت تا دریافت که این شرایط و اعمال در آن زمان چه اثراتی بر احوال فرد مدعی اخراج داشته و چه انگیزه ای در او ایجاد کرده و نیز اینکه چنین اعمالی قابل انتساب به ایران می باشد یا خیر. (رجوع شود به: مواد ۵ تا ۱۰ Draft Articles on State Responsibility، بند ۱۸ فوق). در این خصوص، دیوان به اهمیت اغتشاش و بی نظمی عمومی توجه دارد که پس از بازگشت آیت الله خمینی ایجاد شد و گروههای مختلف، در جو انقلابی موجود ایران در آن زمان، با یکدیگر

---

(۱۳) بعنوان مثال، با اخراج تبعه بیگانه که حق مستمر اقامت در ایران داشته یا بوسیله محروم کردن تبعه بیگانه از فرصت کافی برای حفظ علائق مالکانه اش قبل از اخراج.

بر سر قدرت رقابت داشتند و آنرا عاملی می‌داند که می‌توانسته افراد را به ترک کشور وادارد، بدون آنکه به دولت یا مأموران و ارگان‌های دولتی قابل انتساب باشد. بعلاوه، دیوان متذکر می‌شود که در مواردی که قرارداد استخدای کارمندی به موجب شرایط خود قرارداد، از طرف کارفرما فسخ شده، فسخ قرارداد آن فرد فی‌نفسه نمی‌تواند به خودی خود موجب مسئولیت دولت در قبال خسارات ناشی از آن، باشد. (۱۴)

### ۳ - انطباق قانون با واقعیات

۳۱ - خواهان در این پرونده مدعی نیست که در اثر اعمال خشونت آمیزی که نسبت به وی یا اموالش صورت گرفته، متحمل زیان‌های مستقیم مالی شده است. گرچه خواهان ادعا می‌کند که در اثر پرتاب سنگ و شکستن پنجره اطاق کارش، جراحات مختصری

---

(۱۴) از طرف دیگر، کارفرما احتمالا می‌توانسته بابت حقوق، هزینه بازگشت و فسخ قرارداد کارمندان در اثر اجرای چنین سیاستی، ادعای خسارت علیه دولت ایران مطرح کند و در بسیاری از پرونده‌های مطروح در دیوان، چنین ادعایی مطرح شده است. به عنوان مثال رجوع شود به: حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱ مورخ ۲۵ مارس ۱۹۸۵ [۵ فروردین ماه ۱۳۶۴] صادره در پرونده کوئستک، اینکوریپتد و وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۸۶ مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۵ [۲۸ مرداد ماه ۱۳۶۴] صادره در پرونده اینترنشنال تکنیکال برادکستس کوریوریشن و سایرین، و دولت جمهوری اسلامی ایران، و حکم شماره ۲-۱۳۵-۲۱۸ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۸۶ [۲۸ اسفند ماه ۱۳۶۴] صادره در پرونده فلیس داج اینترنشنال کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران، و حکم شماره ۲-۱۷۹-۲۳۴ مورخ ۸ مه ۱۹۸۶ [۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵] صادره در پرونده ای.اچ.اف.آی (آه‌ف‌آی) بلنینگ اسوشی ایتس، اینک و دولت ایران و سایرین، و حکم شماره ۲-۶۸-۲۴۴ مورخ ۸ اوت ۱۹۸۶ [۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۵] صادره در پرونده هوارد نیدلز تامن اند برگندوف و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، و حکم شماره ۱-۲۸۹-۲۵۳ مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۶ [۲۵ شهریور ماه ۱۳۶۵] صادره در پرونده مک لافلین انترپرایز، لیمیتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، و حکم شماره ۳-۴۸-۲۵۵ مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۶ [۲۸ شهریور ماه ۱۳۶۵] صادره در پرونده آمریکن بل اینترنشنال، اینک و جمهوری اسلامی ایران و سایرین و حکم شماره ۲-۳۳۴-۲۷۱ مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۸۶ [سوم آذر ماه ۱۳۶۵] صادره در پرونده کاسموس انجینیرینگ، اینک و وزارت راه و ترابری.

برداشت و در اثر بازجویی‌هایی که در برابر لوله اسلحه در هتل از وی بعمل آمد، دچار ناراحتی‌های روانی شد، معذک در ادعای حاضر، هم‌آهنگ با صلاحیت محدود این دیوان، فقط بابت خسارت وارده بر اموال و علایق مالکانه خواهان، مطالبه غرامت شده و نه بابت صدمات وارده به شخص.

۳۲ - با توجه به تصمیمات دیوان دایر بر اینکه خوانده مسئول خساراتی است که در اثر اعمال غیرقانونی قابل انتساب به وی، متوجه اموال و علایق مالکانه خواهان گردیده، دیوان اکنون باید بررسی کند که آیا خواهان ثابت کرده است که خسارات ادعایی وارده به اموال وی، از چنین اعمالی ناشی شده است، یاخیر.

۳۳ - موضوع اساسی و مهم در این ملاحظات، آنستکه دلیل خروج خواهان از ایران بررسی و معلوم شود که آیا خواهان وجود رابطه علیت لازم بین خروج خود و فعل یا ترک فعل قابل انتساب به دولت را ثابت کرده است، یا خیر. اولین سئوالی که در این خصوص در این پرونده مطرح می‌شود، آنست که در ۱۲ فوریه ۱۹۷۹ [۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷] که خواهان و همسرش به هتل رفتند، خواهان چه قصدی از این کار داشته است. برای اثبات مسئله رابطه علیت، خواهان باید اثبات نماید که یا هنگام رفتن به هتل، قصد ترک دایمی ایران را نداشته (چون اگر چنین قصدی داشت، در آن صورت، اجرای سیاست دولت جدید نمی‌توانست عامل عمده در خروج او باشد)، و یا اینکه تصمیم وی به ترک دایمی ایران، تنها ناشی از خطرات جانی مورد تصور او در گیرودار ناآرامی‌ها و خشونت‌های انقلاب نبوده، بلکه از اعمال خلاف قانون قابل انتساب به خوانده نیز ناشی می‌شد.

۳۴ - دیوان قبول دارد که تعیین انگیزه، در شرایط و اوضاع و احوالی که مدتها قبل بروز کرده و عوامل عدیده‌ای که اکثراً غیرملموس بودند، در آن دخالت داشته‌اند، کار مشکلی است. با اینحال، مسئله علیت را نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا تنها در

صورتی می توان خوانده را مسئول خسارات دانست که اعمال خلاف قانون قابل انتساب به وی، عامل عمده‌ای در بروز این خسارات بوده باشد.

۳۵ - بنابراین، در بادی امر دیوان باید بررسی کند که قصد خواهان از رفتن به هتل در ۱۲ فوریه ۱۹۷۹ [۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷] چه بوده است. خواهان اظهار می‌دارد که تا قبل از آن روز، وی انتظار داشت که تا سر حد امکان، در ایران باقی مانده و به کار خود ادامه دهد. لیکن خانم رنکین در شهادتنامه خود تصریح می‌کند که علاقمند به ترک کشور بوده است. خواهان می‌گوید که تنها راه تلفیق این دو خواسته با یکدیگر، این بود که خانم رنکین یا موقتاً برای گذراندن تعطیلات و یا برای مدت نامعلومی، بسته به اینکه تحولات اوضاع چگونه باشد، ایران را ترک گوید. آقای رنکین اظهار می‌دارد که او نیز قصد داشت طی این مدت به مرخصی برود، ولی به ایران بازگردد و چنانچه خانم رنکین تصمیم می‌گرفت که اقامت طولانی تری در خارج داشته باشد، وی به آپارتمان کوچکتری نقل مکان کند. لکن، پس از سقوط رژیم گذشته در ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ [۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷]، نگرانی خانم و آقای رنکین برای حفظ جان خود بحدی رسید که در اوایل بامداد روز ۱۲ فوریه ۱۹۷۹ [۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷] مصمم شدند آپارتمان خود را ترک گفته و به هتل [هیلتون] که عده زیادی از همکاران آقای رنکین در آنجا جمع شده بودند، بروند.

۳۶ - در جلسه استماع، طرح کننده ادعا اظهار داشت که قصد خواهان در بامداد روز ۱۲ فوریه ۱۹۷۹ [۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷] این بود که صرفاً تا وقتی که همسرش به سلامت از کشور خارج می‌شود، در هتل اقامت کند، و آنگاه سر کار خود در ایران بماند. خواهان در جلسه استماع حضور نداشت و دیوان با توجه به مطالب قبلی مندرج در شهادتنامه‌های مختلفی که خواهان و دیگران در تأیید این ادعا تسلیم داشته‌اند، نمی‌تواند صحت یا سقم توضیحات مذکور را تعیین نماید. مدارک موجود نزد دیوان، راجع به این مساله مبهم است. خواهان در سوگندنامه اصلی خود اظهار



می دارد که "همسر من فوق‌العاده نگران بود... و اصرار می کرد که من با آقای ج. مک کلافلین [رابط امنیتی بل هلیکوپتر] تماس بگیرم... که ... به من و همسرم اجازه داد به هتل هیلتون تهران که سایر کارمندان بل هلیکوپتر در آنجا جمع بودند، برویم." همسر وی اظهار می‌دارد که "از جک خواهش کرده بودم که از آنها [نمایندگان پرسنل بل هلیکوپتر در هتل هیلتون] تحقیق کند و ببیند که آیا ممکن است بجای آنکه در آپارتمانمان تنها بمانیم، به آن هتل برویم... و بما گفته شد... که فعالیت‌های سیاسی بدرجه‌ای رسیده که خروج از ایران را غیر قابل اجتناب ساخته و ما باید هر چه زودتر خود را به هتل برسانیم." مدیریت بل هلیکوپتر در طول همانروز تصمیم گرفت که بجز تنی چند، مابقی کارمندان خود را از ایران خارج سازد. خواهان در شهادتنامه قبلی خود اظهار داشته بود که "بمن اجازه ترک آپارتمان داده شد... و من بمنظور آماده شدن جهت ترک ایران، به طرف هتل راه افتادم." خواهان در آخرین شهادتنامه خود می‌گوید که وی "در آن موقع قصد عزیمت از ایران را نداشت" ولی از سیاق عبارت، روشن نیست که وی به نوامبر ۱۹۷۸ یا به فوریه ۱۹۷۹ اشاره می‌کرده است. صاحبخانه خواهان در جلسه استماع شهادت داد که در اواخر ژانویه ۱۹۷۹ خواهان به وی گفته بود که قصد ترک ایران را دارد. لیکن معلوم نیست که این صحبت در اشاره به تعطیلات خارج از ایران مطرح شده یا در ارتباط با ترک قطعی کشور. دیوان ملاحظه می‌کند که در برگ اقامت هتل، دلیل حضور خواهان "تغییر ماموریت" (realignment) ذکر شده و نه خاتمه خدمت، اما دلیل و مدرکی در توضیح آن عبارت اقامه نشده است.

۳۷ - تدارک برای خروج، منجمله فروش اموال شخصی می‌تواند مبین قصد و منظور فرد باشد، ولی در اینجا نیز مدارک ضد و نقیض است. خواهان در شهادتنامه خود اظهار می‌دارد که به جز فریزر و "چند قلم وسیله دیگر" که به صاحبخانه فروخت، مبل و اثاثه منزل و البسه یا اتومبیل خود را نفروخت. صاحبخانه که هم از طریق شهادتنامه و هم در جلسه استماع شهادت داده، اظهار می‌دارد که خواهان اموال مذکور را به

افراد مختلفی فروخت و فقط اشیاء بی ارزشی را باقی گذارد. خواهان در آخرین شهادتنامه خود تصدیق می کند که اشیایی را فروخت، ولی خاطر نشان می سازد که اکثر آنها متعلق به دوستانی بود که ایران را ترک کرده بودند. ارزش آشکار شغل خواهان که به عقیده وی، مشابه و معادل آن در جای دیگری یافت نمی شد، و عدم امکان ادامه زیست و خواب و خوراک در آپارتمان، تا هنگام عزیمت از ایران، در صورتی که وی واقعا "مبلان، ظروف و لوازم خود را می فروخت و اینکه او و همسرش نمی توانستند کلیه البسه خود را هر یک در یک چمدان به هتل ببرند، اظهارات خواهان را تایید می کند. در مورد اتومبیل خواهان، دیوان خاطر نشان می سازد که خوانده مدرکی غیر از شهادتنامه صاحبخانه که به گمان وی اتومبیل به فرد نامعلومی فروخته شده بود، ارائه نکرده است. از طرف دیگر، فقد هرگونه مدرک راجع به اینکه خواهان پس از ترک ایران، برای فروش یا دریافت اثاثه بجا مانده، اقدامی کرده باشد، یا هر نوع تماسی با صاحبخانه یا فرد دیگری در این خصوص گرفته باشد، موعید شهادت صاحبخانه است. این موضوع بخصوص با توجه به روابط صمیمانه ای که در آن وقت ظاهرا" بین خواهان و صاحبخانه وجود داشت، تعجب آور است. بعلاوه، می توان استدلال کرد که این واقعیت که خواهان تنها دو روز قبل از رفتن به هتل، چهار تخته قالی را از طریق پست ارسال داشته بود، اظهارات خوانده را مبنی بر اینکه خواهان قصد عزیمت از ایران را داشته، تایید می کند. از طرف دیگر، دیوان ملاحظه می کند که دسترسی خواهان به سرویس پست نظامی ایالات متحده، متکی به همسرش بود که در استخدام نیروی دریایی ایالات متحده بود و بنابراین، راجع به قصد خواهان به خروج از ایران، بر مبنای آن کار [ارسال قالیها] نمی توان به استنباط و نتیجه گیری روشنی دست یافت.

۳۸ - با بررسی مجموعه ادله و مدارک، دیوان بر این نظر است که نمی تواند اظهارات متناقض خواهان را راجع به قصد وی از رفتن به هتل در ۱۲ فوریه ۱۹۷۹ [۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷] با یکدیگر تلفیق دهد. دیوان متذکر می گردد که خواهان بار اثبات این ادعا را که در اثر اعمال قابل انتساب به دولت ایران، بصورت غیر قانونی از

کشور اخراج شده است، برعهده دارد و از آنجا که توضیحی راجع به این ادله و مدارک متناقض داده نشده، دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهان از عهده اثبات قصد خویش برنیامده است.

۳۹ - در نتیجه، دیوان معتقد است که خواهان نتوانسته اثبات کند که اجرای سیاست جدید خواننده، که اظهارات دکتر یزدی احتمالاً نمونه‌ای از آن بود، مسبب اصلی خروج وی از ایران بوده است. خواهان این مطلب را نیز اثبات نکرده که به دلیل فعل یا ترک فعل مشخصی از جانب خواننده، یا قابل انتساب به آن، وی تصمیم به ترک ایران گرفت. برعکس، بنظر می‌رسد که اغتشاش و هرج و مرج عمومی مرتبط با این مرحله حساس انقلاب، خواهان را به تصمیم به خروج از ایران واداشت. بنابراین، ادعای خواهان علیه دولت ایران، برای از دست دادن حقوق و سایر مزایای استخدامی، مردود شناخته می‌شود، زیرا اثبات نشده که خروج خواهان از ایران در اثر اقدامات غیرقانونی دولت ایران یا اقداماتی که طبق قوانین بین المللی قابل انتساب به آن دولت باشد، صورت گرفته بوده است.

۴۰ - خواهان همچنین مبلغ ۳۹،۰۷۰/- دلار امریکا بابت لوازم شخصی مختلفی که حسب ادعا، به دلیل خروج ناگهانی از ایران، بجای گذارده، ادعای غرامت دارد. تا آنجا که خواهان ادعای غرامت بابت این اموال را بر تئوری اخراج غیرقانونی از ایران استوار ساخته، ادعای مزبور مردود است، زیرا خواهان اثبات نکرده که بصورت غیرقانونی از ایران اخراج شده است. (۱۵) بنابراین، دیوان لازم نمی‌داند که مسأله تناقض ادله و مدارک را در این مورد که آیا خواهان هنگام خروج از ایران، مالک این اموال بوده است یا خیر، حل نماید.

---

(۱۵) ادعای خواهان دایر بر اینکه این لوازم منزل، اموال شخصی و اتومبیلی که بجای گذارده، مصادره شده‌اند، صرفاً مبتنی بر این اظهار است که وی بصورت غیرقانونی اخراج شده و این اموال بطور ضمنی بوسیله دولت ایران "ضبط" شده‌اند.

۴۱ - خواهان همچنین بابت ارزش چهار تخته قالی که در تاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۷۹ [۲۱] بهمن ماه ۱۳۵۷]، یعنی دو روز قبل از رفتن به هتل، از اداره پست ارتش ایالات متحده، به نشانی خود در ایالات متحده، پست کرده ادعای غرامت دارد. قالیهای مذکور هرگز به مقصد نرسید و خواهان مدعی است که در آتش سوزی فروشگاه ایالات متحده در ۱۲ فوریه ۱۹۷۹ [۲۳] بهمن ماه ۱۳۵۷] که پستخانه نیز در آن محل قرار داشت، توسط انقلابیون ضبط یا نابود شده است. همانطور که در بالا بحث شد، برای آنکه خواننده مسئول از بین رفتن قالیهای مذکور شناخته شود، خواهان باید ثابت کند که زیان وارده، ناشی از اعمال خلاف قانون قابل انتساب به خواننده بوده است، لکن خواهان از عهده اثبات این ادعا برنیامده است. مدرکی وجود ندارد که نشان دهد قالیهای مذکور در جریان آتش سوزی اداره پست، هنوز در آن محل قرار داشته و در مورد علت آتش گرفتن پستخانه و یا اینکه چه کسی مسبب آن بوده است، نیز مدرکی در دست نیست. بنابراین، ادعای مربوط به ارزش قالیها نیز رد می شود.

#### ششم - هزینه داوری

۴۲ - هر یک از طرفین باید هزینه های مربوط به خود را در داوری این پرونده متحمل شود.

#### هفتم - حکم

۴۳ - به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند:

(الف) ادعای چک رنگین رد می شود.

(ب) هر یک از طرفین باید هزینه های داوری مربوط به خود را متحمل شود.

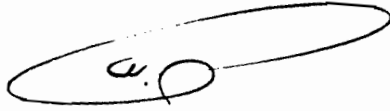
لاہء، به تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۸۷ برابر با ۱۲ آبا ماه ۱۳۶۶



روبرت برینر

رئیس شعبه دو

به نام خدا



حمید بهرامی احمدی

موافق در نتیجه



جرج اچ آلدریج

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

121

Case No. 10913

Date of filing: 3. NOV 87

\*\* AWARD - Type of Award Final  
 - Date of Award 3. NOV 87  
 \_\_\_\_\_ pages in English 29 pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi